

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نگارش از: محمد عمر قریشی- کابل

۲۹ مارچ ۲۰۲۳

"خلیلزاد"، "لارنس امریکائی"!

(۲)

سه شنبه- ۰۸ حمل ۱۴۰۲- کابل: یادداشت امروز را به نگارش بحث انتقادی- تکمیلی یکی از دوستان گرانمایه اختصاص داده ام، که ضمن تذکر کاستی های نوشته قبلی ام معنون به «خلیلزاد»، لارنس امریکائی"، نکات و اضافاتی را نیز به مثابه تکمیل آن بحث، به صورت مختصر اشاره نموده اند. در همین جا امانتدارانه باید بنویسم که نکات مورد اشاره، از آن دوست می باشد و من فقط آن اشارات را با اندکی تفصیل نگاشته ام:

۱- «دوست عزیز آقای قریشی، با تشکر و ادای احترام به زحماتی که می کشید و مسائل روز افغانستان را روشنگرانه تحلیل می نمائید، پیشنهاد و حتا دوستانه توصیه می نمایم، هر زمانی که خواستید، دو و یا چند فرد را با یک دیگر مقایسه نمائید، باید متوجه باشید ضمن آن که نکات مشابه و یا در کل تشابهات شخصیتی آن افراد را با یک دیگر شان تذکر می دهید، می باید مغایرتها و ممیزاتی را که آن ها را از هم متمایز می سازد، نیز تذکر دهید، در غیر آن خطر تلاش جهت انطباق دو شخصیت بر فضای نوشته حاکم می گردد.

۲- به همین اساس وقتی بخواهیم "خلیلزاد" و "لارنس" را با یک دیگر شبیه نشان دهیم، باید نکاتی که آنها را از یک دیگر متمایز می سازد، نیز روشن بیان گردد. از جمله:

*- "لارنس" یک جاسوس بود، در حالی که "خلیلزاد" نه تنها جاسوس است، بلکه وطن فروش نیز می باشد؛

*- "لارنس" هر جنایت و خیانتی را که در حق خلقهای عرب اعم از خاور میانه و شمال افریقا مرتکب شد، تمام آن جنایات و خیانت ها را به نفع تحکیم مناسبات و حاکمیت کشوری انجام داد که در آن تولد شده و به همان نام و هویت مسما بود، در حالی که "خلیلزاد" تمام جنایات و خیانت ها را چه در حق خلق افغانستان چه در حق خلقهای منطقه و حتا جهان انجام داد، همه آنها در خدمت نهاد استخباراتی کشوری قرار داشت که خود را به آنها فروخته است؛

*- یک بررسی مختصر از عملکرد "لارنس" نشان می دهد که نامبرده در تمام دوران حیاتش هیچ نوع ضرری به حاکمیت کشورش و به خلق خودش وارد نساخته است، یعنی در تمام دریاهای خونی که به راه انداخته، خون یک انگلیس در آن جاری نشده است، در حالی که "خلیلزاد" در طی بیش از ۴۰ سال اخیر حیاتش، برای تأمین منافع شخصی خودش و نهادی که برایش فعالیت کرده و می کند یعنی "سیا"، نه تنها بر اجساد ده ها هزار افغان هموطنش و صد ها هزار عراقی لگد نموده تا راه گسترش سلطه بدارش را فراهم سازد، بلکه با آخرین کارش تا کنون، یعنی

سپردن حاکمیت افغانستان به طالب به اساس موافقتنامه دوحه، آینده فرزندان این کشور را به بازی گرفته، سعادت و نیکبختی فرزندان این مرز و بوم را به چگونگی بقاء و یا نابودی نظام ملاسالار گره زده است؛

*- این که "لارنس" و نامش تا چه حدی بین خلقهای آگاه خاورمیانه و شمال افریقا نفرت انگیز و آماج انزجار همگانی است باشد سرچایش، مگر واقعیت این است که همین نام نزد انگلیسها و بقیه کشورهای انگلوساکسون از حد یک انسان معمولی گذشته و به "اسطوره" مبدل شده، از همین رو در هیچ کشوری که در آن مدنیت انگلوساکسون وجود دارد، نمی توان شهری و حتا شهرکی را در آن یافت که یکی از خیابانهای اصلی شهر، به نام "لارنس" مسما نشده باشد و بدین وسیله از وی تجلیل صورت نگرفته و در آینده صورت نگیرد، عکس این اسطوره سازی در مورد "لارنس"، عملکرد "خلیلزاد" در تمام جهان به خصوص مجموع خاورمیانه خاصاً افغانستان، آنقدر ننگین و نفرت انگیز بوده و است، که بعد از اینهمه جنایت حتا مزدوران "سیا" نیز جرأت ندارند از وی به نیکویی یاد نمایند، تا چه رسد به مردم عادی کشور های منطقه به خصوص مردم تحت ستم افغانستان. اگر قرار باشد همین حالا در افغانستان نظرخواهی شود که از کدام یک از دولتمردان داخلی و خارجی بیشترین و انزجار را دارنده مطمئناً "زلمی خلیلزاد" یکی از افرادی خواهد بود که با "غنی احمدزی"، "ببرک کارمل-نجیب"، "تره کی-امین"، "بوش و برژنیف" رقابت خواهد کرد. «

هموطنان گرامی!

آنچه در سطور بالا از نزدتان گذشت، برخورد انتقادی-تکمیلی آن دوست عزیز در مورد "خلیلزاد" و "لارنس" بود. در همین جا خود را موظف می دانم، تذکر دهم:

*- شخصاً از بحث تکمیلی دوست عزیز ما آموخته ام، بابت آن ابراز امتنان و سپاس می نمایم؛

*- من هیچ زمانی نگفته ام و در آینده نیز نخواهم گفت که نوشته هایم کامل و بی عیب است. علی رغم آن که می دانم در نوشته هایم کاستی و کمبود وجود دارد، باز هم به امید این که دوستان ارجمند و بزرگوار دیگر، آن کمبود ها را رفع و بحث را تکامل دهند، جرأت می نمایم تا نکاتی را همه روزه خدمت شما هموطنان گرامی تقدیم بدارم. از همین رو بسیار صمیمانه و صادقانه ابراز می دارم که از هر نوع انتقاد و بحث تکمیلی و اصلاحی استقبال نموده، قول می دهم که حتا اشارات مختصر دوستان را نیز در قید نگارش برای همگان درآورم.

*- همیشه منتظر رهنمائی ها و بحث های تکمیلی خوانندگان گرامی می باشم. کمک تان را از من دریغ نفرمائید!

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی-طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!